



۲۰۱۶/۰۶/۲۵



جلیل غنی هروی

افغانستان، منافع و نگرانی های منطقه و جهان

بخش اول

افغانستان باموقعیت جغرافیایی و محاط بودن به خشکه حلقه اتصال بین آسیای میانه و جنوب آسیا قرار دارد. جهان گشایان در طول تاریخ از اسکندر مقدونی تا قدرتهای بزرگ جهانی و منطقوی دیگر به این خطه که گاهی به نام آریانا، زمانی به نام خراسان و از ۱۵ جولای ۱۸۴۷ به اینطرف با تأسیس دولت مستقل و جداگانه توسط احمد شاه ابدالی، به نام افغانستان بوده، به حیث دروازه فتوحات شان به جنوب آسیا و یا آسیای میانه نگریسته اند. مثال های بارز این لشکر کشی ها در سده های اخیر، سه تهاجم انگلیس (جنگ اول افغان و انگلیس ۱۸۳۹-۱۸۴۲، جنگ دوم ۱۸۷۸-۱۸۸۰ و جنگ سوم ۶ می ۱۹۱۹- ۸ اگست ۱۹۱۹) و شکست آن، تهاجم اتحاد شوروی سابق بر افغانستان در دسمبر ۱۹۷۹ و خروج آخرین سرباز آن در اپریل ۱۹۸۹ است.

مؤرخین و محققین در باره علل این همه تهاجمات و علاقمندی جهان گشایان، تألیفات متعدد و تحقیقات گسترده انجام داده اند و هر یک از زاویه جداگانه و از نگرش متفاوت شرایط اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و موقعیت ستراتیژیک، این خطه را ارزیابی و علل تهاجمات را جست و جو نموده اند. گاهی آنرا دروازه هند خوانده اند و زمانی شاهرای سلطه بر آسیای میانه و زمانی هم منطقه متعلق به نفوذ روسیه و یا نیمه مستعمره انگلیس و بالاخره هم منطقه حایل بین قدرتهای بزرگ قرن نهم (روس و انگلیس) ولی هیچ گاهی افغانستان مثل امروز محراق منافع مشترک و هم نگرانی های مشترک منطقه و جهان نبوده است و این اهمیت موقعیت ستراتیژیک و جیوپولیتیک امروزی افغانستان، ظهور اندیشه های تند روانه و تعبیر های سخت گیرانه از اسلام، نفوذ دهشت افکنان بین المللی چون القاعده و مؤتلفین آن، تقابل و اصطکاک مفکوره های متضاد عقیدتی و سیاسی منطقوی و بین المللی است که آنرا به این محراق توجه قرار داده است چون هم منافع مشترک و هم نگرانی های مشترک از حیثه ملی خارج و شکل منطقوی و جهانی را گرفته است و همان طوری که جهان به یک "دهکده" تبدیل شده معضله افغانستان هم در محدوده همین دهکده مورد ارزیابی قرار می گیرد.

افغانستان به قول علامه اقبال لاهوری "قلب آسیاست" زیرا با شش کشور این منطقه هم سرحد است که همین موقعیت، این کشور را در چهارراه مدنیت ها در سده های گذشته قرار داده که از چنین موقعیتی هم بهره مند شده است و هم متضرر. طول سرحدات افغانستان با شش کشور همسایه چنین است:

چین ۹۱ کیلو متر، ایران ۹۲۱ کیلو متر، پاکستان ۲۶۷۰ کیلو متر، تاجکستان ۱۳۵۷ کیلو متر، ترکمنستان ۸۰۴ کیلو متر و ازبکستان ۱۴۴ کیلو متر. ساحه افغانستان ۶۵۲۲۳۰ کیلو مربع و نفوس آن به شمول مهاجرین در بیرون از افغانستان نزدیک به سی و یک ملیون تخمین میشود.

آنچه که علاقمندی کشور های همسایه و سایر دول را چه در منطقه و چه در جهان به افغانستان توجیه کرده میتواند منافع و در عین زمان نگرانی های است که این کشورهای دور و نزدیک در افغانستان دارند که می توان آنرا منافع مشترک و نگرانی های مشترک نامید، البته باید منافع و نگرانی های مشروع و غیر مشروع مطابق به مقررات و موازین بین المللی و حقوق بین الدول تعریف گردد و تفاوتی بین آنها قایل شد.

منافع مشترک این کشورها با افغانستان که میتوان آنرا منافع مشروع دانست:

با سقوط رژیم عقبگرا و منزوی طالبی در افغانستان در ۲۰۰۱ و روی کار شدن مرحله ای جدید و پایه گذاری تشکیل یک نظام متکی بر قانون و مردم سالاری، افغانستان نیز از انزوای سیاسی و اقتصادی و فرهنگی نجات یافت و راه ترقی و پیشرفت و تشکیل یک جامعه مرفه را در پیش گرفت. اینکه این مسیر پراز فراز و فرود ها است و راه طولانی افغانستان پیش رو دارد که به پیماید، دلیلی بوده نمی تواند که از این راه منصرف و یا نا امید شد. همه کشورهای جهان پیشرفته ای امروزی این راه را ده ها سال قبل پیموده اند و یقین کامل است که روزی افغانستان نیز از آن بهره مند خواهد شد.

با آغاز این روش و پیروی از اقتصاد متکی به بازار آزاد، زمینه سرمایه گذاریهای ملی و بین المللی در افغانستان فراهم گردیده و طی پانزده سال گذشته صد ها شرکت و فابریکه ملی و بین المللی در افغانستان به فعالیت آغاز کرده و محصولات آنها بازار های افغانستان را پر کرده است. اینکه این سرمایه گذاری ها به حمایت بیدریغ حکومت نیاز دارند، شکی نیست و باید حکومت برای حمایت و تشویق سرمایه گذاران و سکتور خصوصی کارهای عملی تری نسبت به آنچه تا کنون به عمل آمده، به نماید. ولی این سرمایه گذاری ها یکی از فکتور های کلی منافع مشترک افغانستان و جامعه بین المللی است.

احصائیه دقیق از حجم سرمایه گذاری ها در افغانستان در دست نیست ولی رشد این سرمایه گذاری ها در سال های اخیر با وصف امضای پیمان های امنیتی با ایالات متحده امریکا و همچنان ناتو و بعضی کشور های دیگر رو به کاهش نهاد و حتی یک تعداد سرمایه گذاران داخلی و تجار ملی سرمایه های شان را به دلیل عدم اطمینان از امنیت و ثبات سیاسی و اقتصادی به خارج از کشور انتقال دادند.

افغانستان به حیث یکی از شاهراه های ترانزیتی بین جنوب آسیا و آسیای میانه است و بنا بران یکی از بزرگترین منافع که کشور های منطقه در افغانستان دارند انتقال امتعه تجارتي و صادرات و واردات این کشورها از طریق افغانستان است. بعد از سقوط اتحاد شوروی سابق، جمهوریت های آسیای میانه با منابع سرشار طبیعی، مخصوصاً انرژی اعم از برق و گاز و نفت، هم به دسترسی به بازارهای جدید نیاز دارند و هم منطقه و جهان به منابع انرژی و سایر امتعه تولیدی این جمهوریت ها نیاز دارد. بگونه مثال موافقتنامه پروژه

، **Central Asia South Asia electricity transmission project (CASA-۱۰۰۰)** که برق تاجکستان، ازبکستان و قرغزستان و ترکمنستان را از طریق افغانستان به پاکستان انتقال میدهد. سالانه افغانستان چهل و پنج ملیون دالر حق العبور برای انتقال انرژی به پاکستان اخذ میکند. اکنون این جمهوریت ها که اقتصاد متکی به بازار آزاد را پایه گذاری میکنند و در صدد جلب سرمایه گذاری های خارجی هستند، نزدیکی راه های ترانزیتی برای شرکت های

ملی و بین المللی یکی از اولویت های این کشور ها میباشد و افغانستان است که ظرفیت دسترسی آنها را به بازارهای خارج هم برای صادرات و هم برای واردات آنها دارد. تکمیل شاهراه حلقوی افغانستان، تمدید خط آهن بین ایران و افغانستان، ترکمنستان و افغانستان، ازبکستان و افغانستان و تاجکستان و افغانستان، توافق ایران و افغانستان به استفاده از تسهیلات بندر چاه بهار ایران و تکمیل راه های اتصال به ایران از اسلام قلعه در سرحد ایران تا هرات و شاهراه قندهار - هرات از طریق نیمروز و فراه، از جمله منافع کشور های منطقه و جهان است که با منافع افغانستان گره خورده است و باعث انکشاف تجارت منطقه و جهان میگردد.

همچنان آغاز کار پایپ لاین گاز از ترکمنستان به پاکستان و هند، تکمیل بند برق سلما در هرات و آغاز بهره برداری از آن، امضای موافقتنامه ها و تفاهم نامه های دیگر برای تقویة بند کجکی و اعمار بند های آب گردان و تولید برق به پیمانہ های کوچکتر در تقریباً بیست و نه ولایت افغانستان و ده ها پروژه عام المنفعة دیگر، از اقداماتی است که دولت افغانستان روی دست گرفته است که زمینه رشد و امیدواری به یک اقتصاد نیرومند و خود کفا را در این کشور میدهد.

احیای راه ابریشم یکی دیگر از پروژه های جهانی است که باز هم افغانستان دران نقش کلیدی دارد و کشور های مختلف جهان را از طریق تجارت به هم مرتبط میسازد و منافع این کشور با منافع جهان باز هم گره خورده و است. جان کری وزیر خارجه ایالات متحده در مصاحبه با صدای امریکا بروز شنبه یازدهم اکتوبر ۲۰۱۴ گفت: «با احیای راه ابریشم افغانستان به یک مرکز مهم نقل و انتقال امتعه تجارتي میان آسیا و غرب مبدل خواهد شد و فکر میکنم که افغانستان به عنوان یک جزیره در راه جدید ابریشم برای حمل و نقل اموال و تجارت میان کشورهای منطقه، داشتن روابط نیرومند با هند و آسیای مرکزی و حتی عراق و اسرائیل، به این کشور ها اهمیت خواهد داشت. همه این ها احتمالات آینده است و من فکر میکنم که ما در همین آینده نقش داشته می توانیم»

البته منابع سر شار طبیعی و دست نخورده افغانستان هم یکی دیگر از عوامل علاقمندی جهان و منطقه به افغانستان است و بر اساس ارزیابی های که از طرف وزارت معادن افغانستان به عمل آمده افغانستان دارای چهارصد و پنجاه معدن به شمول منابع انرژی و سنگ های قیمتی و منرال است که فقط استخراج و بهره برداری از تعداد بسیار معدودی از این منابع یا آغاز شده و یا هم برای بهره برداری تحت مطالعه گرفته شده است. سرمایه گذاری درین منابع یکی دیگر از علاقمندی های کشورهای منطقه و جهان است چون افغانستان به تنهایی توان سرمایه گذاری در برخی از این منابع مثل نفت و گاز را ندارد و سرمایه های هنگفت را ایجاب میکند، سهم شرکت های بین المللی درین بخش حتمی به نظر میرسد که دران هم منافع افغانستان و هم منافع مشروع شرکت های خارجی بر آورده شده میتواند. منابع آبی روی زمین و مهار نمودن آبهای زیر زمین و استفاده مشترک از این منابع بین افغانستان و کشور های همجوار هم دلیل علاقمندی کشور های همسایه است هم دلیل مداخلات برای وارد کردن فشار بر افغانستان به منظور قبولاندن خواسته های نا مشروع همسایگان مخصوصاً ایران و پاکستان و هم برای تامین منافی که طبق قوانین بین المللی بین کشورهای همجوار در مورد استفاده مشترک از منابع، تحت مقررات خاص وضع گردیده است، که از آن جمله میتوان استفاده مشترک از آب های دریا های هلمند، هریرود، فراه رود با ایران، دریای کنر، دریای کابل با پاکستان، دریای آمو با تاجکستان و چند منبع دیگر به حیث مثال نام برد. گرچه در بعضی موارد مثل دریای هلمند و بند کجکی موافقتنامه بین افغانستان و ایران در زمان سلطنت و حکومت محمد موسی شفیق امضاء شده ولی با آن هم ایران هیچ گاهی این موافقتنامه را رعایت نکرده است.

بافت اجتماعی افغانستان یکی دیگر از عواملی است که کشور های همسایه افغانستان خود را حق میدهند دران دخیل بدانند. جامعه ای افغانی متشکل از اقوام، قبایل، نژادها و زبانهای است که اقوام و ملیت های مشابه در کشور های همسایه افغانستان هم وجود دارد و تقسیمات جغرافیائی دو قدرت بزرگ جهانی در قرن نهم یعنی انگلیس و روس و یا هم فتوحات کشور گشایان دیگر، قبل و بعد از آن، موجب آن گردید که اکثر اقوام و قبایل و ملیت های دارای فرهنگ و تاریخ مشترک با خط کشی های سرحدی از هم جدا شوند. این گونه تقسیمات و خط کشی ها تنها منحصر به افغانستان نیست و می توان تقسیم کشمیر به دو قسمت بین هند و پاکستان، تقسیم گُرد ها بین ایران، عراق و ترکیه و فلسطین را از تقسیمات دیگر در سایر مناطق نیز نام برد. همین علایق تاریخی قومی، نژادی، مذهبی، زبانی و فرهنگی و حتی ارتباط های خانوادگی است که از یک جانب موجب نزدیکی بین کشور های با تشابهات و تعلقات تاریخی میگردد و از جانب دیگر بزرگترین معضلات منطقوی را موجب می شود. در بسیاری اوقات این گذشته های مشترک باعث آن گردیده که برتری جویان منطقوی حتی افتخارات تاریخی مربوط به افغانستان را از خود بدانند و درین خواسته ها تا سرحد امیال شنونیستی عظمت طلبانه پیش بروند و بدین ترتیب میتوان این عامل را نیز یکی از منافع کشور های منطقه، البته به زعم خود آنها، بر شمرد. این ها فقط چند مثال متبارز از منافع مشترک افغانستان و منطقه و جهان است. البته مهمترین عامل برای تامین این منافع، و منافع مشروع دیگری که هم افغانستان دارد و هم منطقه و جهان، تامین امنیت و ثبات سیاسی و اقتصادی در افغانستان است که بخش نگرانی های مشترک افغانستان، منطقه و جهان را تشکیل میدهد.

پایان بخش اول

ادامه دارد